

رئیس پیشین کمیته بازنگری قراردادهای نفتی در بازگویی بخشی از خاطراتش از مذاکرات نفتی:

ژاپنی‌ها را ما از ایران فراری دادیم



عبدالله سهندی، رئیس پیشین کمیته بازنگری قراردادهای نفتی

کاپیاب سر آزادگان هم با ژاپنی‌ها در ابتدا مذاکره کردید و چالشی ایجاد شد. موضوع از چه قرار بود؟

خبرها را به‌روز دنبال می‌کردم و متوجه شدم ژاپنی‌ها برای تمدید قرارداد میدان الخفجی در منطقه مشترک بین کویت و عربستان، مشغول مذاکره با عربستان هستند. عربستانی‌ها گفتند باید پنج میلیارد دلار سرمایه‌گذاری کنید و باهم به تفاهم نرسیده بودند. آنها هم پس از عدم توافق مستقیم در سطح قائم‌مقام وزیر به ایران آمدند. فکر می‌کردند تا می‌آیند ما برایشان آغوش باز می‌کنیم. مذاکره‌کننده ایران من می‌تواند نگه‌تلازهای در دوره‌های تاریخی ارائه دهد. اختلاف‌نظر او با حاکم شارجه و همین‌طور مدیرعامل کرسنت، از او مخالفی جدی با قرارداد گازی معروف ساخت. هرچند که حسینی از مدافعان سرسخت صادرات گاز محسوب می‌شود، اما هرگونه همکاری با شرکت کرسنت را برنمی‌تابید و به همین دلیل، مخالفت عیان خود را با امضای آن هم ثبت کرد. پیش‌تر در روزنامه «شرق» برخی خاطرات او درباره فعالیت‌هایش در عرصه فولاد و نفت به چاپ رسید و حالا در اینجا بنا داریم بخش دیگری از این گفت‌وگو را پیش‌روی مخاطبان قرار دهیم. خواندن این گفت‌وگو، پشت‌پرده برخی از مذاکراتی را رو می‌کند که بیش از پیش، اهمیت اعتمادسازی در مذاکره را علنی می‌کند.

بخشی از فعالیت شما در عرصه قراردادهای بین‌المللی به ثبت رسیده است. چه شد که این عرصه را در حوزه نفت هم دنبال کردید؟

من پیش‌تر در زمینه قراردادهای بین‌المللی در حوزه قراردادهای معدنی و فولاد ایران کار کرده بودم. در دوره‌ای تصمیم گرفتم به طرح کنگار بروم. تا سال ۶۶ در کنگار ماندم و ۷۰۰ درصد کار پیش رفت

تا اینکه مدیریت عوض شد. سال ۶۶ آقای آقازاده مرا به‌عنوان مشاور وزیر دعوت کرد. به ایشان گفتم مشاور وزیر به درد من نمی‌خورد. جوان هستم و می‌خواهم کار کنم. آقای کاظم‌پوراردبیلی معاون بین‌المللی شده بود. ایشان گفت من معاونت دارم که یکی آقای هدایت‌زاده است و مسئول فروش نفت است.

معاونت دیگر مشارکت خارج از کشور و قراردادهای بین‌المللی است. اگر می‌خواهی کار کنی بیا اینجا.

بعد از انقلاب قبل از شما کسی آنجا بود؟

یک نفر بود که آقای کاظم‌پور نمی‌پسندید.

کاری انجام شده بود؟

خیلی نه. از من دعوت کردند و قبول کردم و معاون آقای کاظم‌پور در امور مشارکت‌های خارجی و قراردادهای بین‌المللی شدم. به این صورت به شرکت ملی نفت رفتم. در دوره من، در بخش مشارکت‌های خارجی، مسئله سرمایه‌گذاری‌ها در هند را داشتیم که باید حل می‌شد. آفریقای جنوبی یکی از گرفتاری‌های ما بود. آنجا مشکلات سیاسی داشتیم. وزارت خارجه کلی به ما فشار می‌آورد که از آفریقای جنوبی به علت حکومت آپارتاید خارج شویم، ما هم نمی‌رفتیم. سهام و سرمایه‌گذاری داشتیم که باید مسئله‌اش حل می‌شد. سهام ما به پول آفریقای جنوبی بود و پول آنها هم افت کرده بود و سهم ما به صورت دلار، ۸۰، ۷۰، هزار دلار شده بود و مجمع تشکیل داده بودند تا ما را بیرون کنند. از آنجا که ارتباطمان را قطع کرده بودیم، به یک‌سری تعهداتمان عمل نکرده بودیم و به همین دلیل هم بدهکار شدیم. حجم زیادی بدهی داشتیم. با آفریقای جنوبی در وین مذاکره کردیم، سهام اندکی را که باقی مانده بود حدود هفت، هشت میلیون دلار فروخیم. سنگال با ما قطع رابطه سیاسی کرده بود و می‌خواست بیرونمان کند. آنجا در پمپ‌بنزین‌ها و ۵۰ درصد توزیع گاز با شل شریک بودیم. من در یک سال ۱۴ بار به سنگال رفتم، زیرا خط سیاسی به ما گفته بود که از این کشور خارج نشوید؛ نگه‌داشتن چیزی که می‌خواهند تو را بیرون کنند و تو هم هر زوری نداری، می‌ماندیم و الان هم هستیم. مسئله هند را هم همین‌طور حل کردیم. بخش دیگر، میدان مبارک بود که شریک بودیم. این میدان متعلق به جزیره ابوموسی است. ایران و امارات هرکدام ادعا دارند که متعلق به ماست، اما سال ۷۱ میلادی پروتکلی بین ایران و شارجه امضا شده که گفتیم با هم دعوا داریم به‌جای خود، اما میدان مشترک را به ما ۵۰-۵۰ شریک باشیم. حاکم شارجه بعد از انقلاب که جنگ شروع شده بود، یک‌طرفه کار می‌کرد. اول اینکه کنسرسیوم آمریکایی داشت که بدون هماهنگی با ما به شرکت کرسنت داده بود. شرکت کرسنت هم می‌گفت طرف قرارداد من حاکم شارجه است و به تلکس ما جواب نمی‌داد. من هم خیلی پرور بودم، کلی مدرک جمع کردم و نامه‌ای تند به حاکم شارجه فرستادم. یکی از دلایلی که من با کرسنت مخالف بودم، عملکردش در میدان مبارک بود، زیرا از نظر من متقلب بود. به همین دلیل هیچ‌وقت تا وقتی که در شرکت ملی نفت بودم، اجازه ندادم جای دیگری جایا باز کند. قراردادی که با کرسنت امضا شد، در زمانی رخ داد که من در لندن بودم.

بعدها به سکنه منجر شد اما وقتی کمی بهتر شدم، ژاپنی‌ها تماس گرفتند و گفتند چه‌کار کنیم؟ گفتم بیااید در بیمارستان نفت بخش CCU مذاکره کنیم. خلاصه دوستان آمدند و دور تخت، صندلی گذاشتند و مذاکره شروع شد. آنجا بیشتر از یک ساعت صحبت نکردیم و چهار مورد هم حل شد.

ژاپنی‌ها به دلیل تحریم، آزادگان را ترک کردند؟

آنها برای تحریم نرفتند. عمده تقصیر کردن خود ماست. ما بیرونشان کردیم. آن زمان من در وزارتخانه نبودم. سال ۲۰۰۵ میلادی (سال ۸۴) قرارداد را امضا کردیم. یک سال هم وقت گذاشتیم چون منطقه هورالیهوز پر از مین بود. قرار بود ما مین‌روبی کنیم. در یک سال، قیمت نفت به‌سرعت بالا رفت. زمانی‌که قرارداد را امضا کردیم، نفت حدود ۲۰ دلار در هر بشکه بود و یکباره به ۸۰، ۷۰ دلار رسید. در این صورت خدمات و سرویس نفت، دو سه ماه بعد بالا می‌رود. مثلاً یک دکل نفتی دریایی وقتی ۵۰، ۴۰ هزار دلار اجاره می‌کردیم، هزینه آن به ۱۵۰ هزار دلار رسید. ژاپنی‌ها نزد من آمدند و گفتند شما که می‌دانید نفت گران شده، هزینه‌های ما هم افزایش یافته است. ما قرارداد فاز یک را بسته بودیم که ۱۶۰ هزار بشکه تولید بود و آن را با رقم یک میلیارد دلار منعقد کرده بودیم. فاز دو را کمتر از یک میلیارد دلار قرارداد بستیم که جمعا به دو میلیارد دلار برسد و درمجموع ۲۶۰ هزار بشکه نفت

این پول را به چه عنوان طلب کردید؟

به‌عنوان زیرلفظی. گفتم این پول را بدهید تا اعتمادمان جلب شود و با شما مذاکره کنیم. به آقای زنگنه گفتم چنین کاری کرده‌ام. ایشان گفتند ژاپنی‌ها خوب انگلیسی متوجه نمی‌شوند، مطمئن می‌شوند که فهمیدند چه گفتی؟ اصلاً چنین چیزی را باور نداشت. آقای خاتمی هم گفته بود از ژاپنی‌ها آبی گرم نمی‌شود. خدمت مرحوم نوربخش رفتم. ایشان گفت حالا آقای حسینی مذاکره کند و بانک مرکزی هم کمک کند که انصافاً هم کمک کردند و معاون ایشان در تیم ما قرار گرفت. فقط من بودم که به این قضیه اعتقاد داشتم و بای حرفم ماندم، هفت، هشت ماه مذاکره‌مان طول کشید. نهایتاً در سفری که آقای خاتمی می‌خواستند به ژاپن بروند، من در لندن مأمور بودم. آقای زنگنه گفته بود تو این‌کار را دنبال کن و من به ژاپن رفتم. ۱۵ روز قبل از آمدن آقای خاتمی به ژاپن، مذاکره با ژاپن را شروع کردم و شبانه‌روز کار می‌کردیم. باور نمی‌کنید در ۱۵ روز، فقط ۳۰ ساعت خوابیدیم. آن زمان نهایتاً امضا کردیم که حدود سه میلیارد دلار به ما پول بدهند تا شروع به حرف‌زدن کنیم که در حضور رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر ژاپن امضا شد. به تهران آمدم و دبه کردیم. البته دبه ما بی‌معنا نبود. یک لایه نفتی خیلی خوب و سبک کشف کردیم و گفتیم این لایه نفتی در مذاکراتمان نبود. آیا این را هم می‌خواهید؟ خب می‌خواستند، چون حدود سه میلیارد بشکه هم نفت سبک داشت. گفتیم پس پنج میلیارد دلار می‌خواهیم. نهایتاً چهار میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار، پول نقد، دلار سبز گرفتیم نه فاینانس. این پول را به حساب شرکت ریختیم که کارهای فاینانس هم انجام دهد. البته بخوبی از این مذاکرات برای من دردناک بود. در طول مذاکرات سه، چهار مورد بود که وقتی به آن می‌رسیدیم، ژاپنی‌ها می‌گفتند این باشد بعداً مذاکره کنیم. تا مذاکرات نهایی شد و قرار بود هفته بعد امضا کنیم. اینها فکر کردند من بادم رفته‌ام که شد گفتم تکلیف آن چهار موضوع چه می‌شود؟ سعی کردند باز هم موضوع را عوض کنند. گفت الان وقت صحبت درباره این موارد است. چون موضوع آسانی بود، یک روز جمعه قرار گذاشیم که یکی، دو ساعت صحبت کنیم و تمام شود. مذاکره با ژاپنی‌ها، عذاب الیم است. مثل اروپایی‌ها نیستند که هر بخش را صحبت کنیم و تمام شود. مدام می‌گفتند برویم و فکر کنیم. یکباره دیدیم ساعت ۱۷ شب شده و تازه سر موضوع اول هستیم و تازه گفتند نقطه سر خط؛ یعنی رسیدیم اول کار. شاید کمتر کسی به اندازه من با شرکت‌های آمریکایی و اروپایی مذاکره کرده باشد. یکی از اصول این است که زمان مذاکره آرام باشد اما من آن زمان خیلی عصبانی شدم و تمام کاغذهای روی میز را پاره کردم و از اتاق بیرونشان کردم. قیافه من آن‌قدر عصبانی شده بود که ترسیدند و سریع بیرون رفتند. بعد از آن متوجه شدم که کارم اشتباه بوده و تماس گرفتم گفتم معذرت می‌خواهم و نباید عصبانی می‌شدم، برگردید. گفتند دیروقت است، بماند برای فردا. به خاطر این موضوع، ناراحتی قلبی پیدا کردم و روز بعد در بیمارستان بستری شدم که

تولید کنند. گفتند الان هزینه‌ها را برآورد کرده‌ایم و از یک میلیارد به یک میلیارد و ۹۰۰ میلیون بشکه رسیده است. چه‌کار کنیم؟ اینجا ما باید منطقی می‌بودیم و واقعیت بازار را درک می‌کردیم. گفتم اجازه دهید بررسی کنیم. کارشناسان گفتند یک میلیارد و ۹۰۰ میلیون بشکه که گفته‌اند زیاد است، اما یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون بشکه منطقی است؛ یعنی هزینه‌ها ۶۰ درصد افزایش داشت. آخرین مذاکره من با ژاپنی‌ها این بود که گفتیم ما یک میلیارد و ۹۰۰ میلیون بشکه را قبول نداریم و حدود یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون بشکه را قبول داریم. در ریسک ۶۰۰ میلیون بشکه اضافه، سه گروه درگیر بودند. بالاخره همه‌مان ریسک را قبول کرده بودیم. اعلام کردیم ۲۰۰ میلیون دلار را ایران تقبل می‌کند، ۲۰۰ میلیون دلار را دولت ژاپن و ۲۰۰ میلیون دلار را هم شرکت پیمانکار ژاپنی بپذیرد. ژاپنی‌ها گفتند ما باید بررسی کنیم. تا اینجا قضیه من بودم. این هنر است که شما مسائل را حل کنید. روز تحلیف

آقای احمدی‌نژاد، تصادفاً روز بازنشتسنگی من هم بود. نفر بعدی من، این مشکل را حل نکرد. از طرفی، مین‌روبی‌ها زمان برد و با استانداردهای ژاپن همخوانی نداشت. از سویی، آن چهار میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار که از ژاپنی‌ها گرفتیم، کمتر از یک درصد بهره داشت که سرسیدش رسید. آن زمان مدیرعامل شرکت نیکو این پول را نداشت و از شرکت اینپکس ژاپن خواست که از بانک جیبی‌یک فرصت بگیرد. شرکت طرف ژاپنی هم گفته بود این موضوع به من ربطی ندارد و به بانک مربوط است. این‌طور که من گزارش‌ها را خواندم، آنها را برای مذاکره با بانک راهی کردیم، اما موفق نشده بودند که در این زمینه، بانک را برای گرفتن فرصت راضی کنند. یکی از دلایلی که این شرکت از ایران رفت یا گفتند برود، این بود که نتوانسته بود وام را استمهال کند. در حقیقت ما هُلشان دادیم که بروند. چون قبل از تحریم‌ها رفتند. آنها اگر می‌ماندند، در مدت ۴۰ ماه به ۱۵۰ هزار بشکه و در مدت ۵۲ به ۲۶۰ هزار بشکه از میدان مشترک می‌رسیدند. الان کجاییم؟ عراقی‌ها به ۲۶۰ هزار بشکه از میدان مجنون رسیده‌اند و ما در همان ۵۰، ۴۰ هزار بشکه درجا می‌زنیم. این از هنرهای ماست که جرت نداریم با پیمانکار مسئله‌مان را حل کنیم، البته عده‌ای هم اذیت می‌کنند. عین این جریان هم در فاز ۱۱ و ۱۳ اتفاق افتاد. قرارداد فاز ۱۱ را من در سال ۸۳ با توتال امضا کردم.

میلبارد دلار برسد و درمجموع ۲۶۰ هزار بشکه نفت

ادامه در صفحه ۱۵

ادامه از صفحه ۴

سونامی در تایتائیک بانکداری ایران

... یعنی ما بانک خصوصی‌ای داریم که هم به بانک مرکزی و هم به سایر بانک‌های خصوصی دیگر بدهکار است که این پدیده شاهکار بانکداری خصوصی در ایران است. نکته حائز اهمیت آنکه چنانچه خط اعتباری حدود ۳۰ هزار میلیاردتومانی مؤسسات منحل و ورشکسته را به این رقم اضافه کنیم، عملاً مجموع بدهی بانک‌های خصوصی و غیردولتی به بانک مرکزی حدود ۱۱۴هزارو ۷۴۰هزارمیلیاردتومان خواهد شد که صدا البته با شاهکار بانک مرکزی ۳۰ هزارمیلیارد تومان از جیب ملت مؤسسات یغماگر بابت استرداد به‌اصطلاح سپرده‌های بربادرفته تخصیص یافت که گفته می‌شود برخی از این سپرده‌گذاری‌ها اساساً جعلی و وجود خارجی نداشته است. یعنی این مؤسسات غارتگر حتی در واپسین روزهای حیات خود دست از قلب برندانسته و با جعل گواهی سپرده برای اعوان و انصار خویش، از ید باکفایت بانک مرکزی و از جیب ملت سرقت کرده بودند. به همین علت هنوز هم تأسیس مؤسسات اعتباری غیرمجاز قانونی و غیرقانونی توجیه اقتصادی دارد. دلیل این ادعا این است آن بانکی که گفته می‌شود بیش از سایر بانک‌ها در معرض ریسک ورشکستگی است، مرتباً شعبه جدید افتتاح می‌کند و با تکیه بر شعار «ما همه در یک کشتی نشسته‌ایم»، کشتی را سوراخ می‌کند اما سایر مسافران کشتی از ترس غرق‌شدن نهن‌تا صدایش را در نمی‌آورند که دودستی او را چسبیده‌اند تا شاید معجزه‌ای رخ دهد؟! اما در مقایسه با بانک‌های خصوصی، بدهی بانک‌های تجاری دولتی به بانک مرکزی حدود سه‌هزارو ۹۴۰ میلیارد تومان و بدهی بانک‌های تخصصی ۴۶هزارو ۸۶۰ میلیارد تومان است که بخش عمده این بدهی، خط اعتباری مسکن مهر؛ آن هم در بانک مسکن است. در واقع بانک‌ها کوشش دارند با جذب سپرده‌های جدید به هر طریق ممکن مانع خروج سپرده‌ها از بانک شوند؛ حتی به قیمت پرداخت سودی بیش از مصوبات شورای پول و اعتبار یا دورزدن مقررات بانک مرکزی و ازکارانداختن موتور حکمرانی پولی در کشور (ختنی‌کردن نظارت بانک مرکزی). شیوه کار نیز مشخص است مگانه به کلاه با از این بگیر به آن بده». تجربه شرکت سحرولیکا در سال‌های جنگ که وجوه مضاربهای با سود چهار درصد در ماه ۴۸ درصد در سال) آن هم در آن سال‌ها توانسته بود طیف وسیعی از سپرده‌گذاران را جذب کند، در حال حاضر با سودی ۲۵ تا ۳۰درصدی چراغ راهنمای برخی بانک‌هاست؟ واقعیت آن است که بانک دو مؤلفه اساسی دارد؛ اول جذب وجوه با نرخ ارزان و به‌صورت بلندمدت و اعطای آن وجوه به نرخ گران و کوتاه‌مدت؛ تا از مابه‌التفاوت آن بهره‌مند شود. حال مقایسه کنید با بانک‌هایی که از بانک مرکزی اضافه‌برداشت با نرخ ۳۴ درصد دارند و قرار است تسهیلات به متقاضیان با نرخ کمتر از این وام اعطا کنند یا این وجوه اعتباری را مصرف پرداخت سود به سپرده‌گذاران یا سهام‌داران بانک کنند تا آنها وجوه خود را از بانک خارج نکنند. بررسی اجمالی صورت‌های مالی سال ۱۳۹۵ بانک‌های کشور نشان می‌دهد که در ۲۰ بانک کشور فقط چهار بانک نرخ کفایت سرمایه هشت درصد و بیشتر دارند و ۱۶ بانک و مؤسسه اعتباری دیگر نرخ کمتر از هشت درصد دارند. همچنین نرخ کفایت سرمایه هفت بانک بین شش تا هشت درصد بوده. نسبت کفایت سرمایه ۹ بانک دیگر کمتر از شش درصد است که با هیچ استاندارد مگر استاندارد (بال مرغ) مطابقت ندارد. یادآور می‌شود براساس استانداردهای «بیل یک» حداقل نرخ کفایت سرمایه یک بانک باید هشت درصد باشد که این نسبت در مقررات (بال دو) به ۱۲ درصد افزایش یافته است. لازم به یادآوری است که به استاد آیین‌نامه کفایت سرمایه مستخرجه از مقررات کمیته بال (کمیته مقررات‌گذار عملیات بانکداری جهان) نسبت کفایت سرمایه «حاصل تقسیم سرمایه پایه به مجموع دارایی‌های موزون شده به ضرایب ریسک برحسب درصد» است که براساس این «سرمایه بانک و دارایی‌ها» دو عامل اصلی تعیین نرخ کفایت سرمایه بانک‌ها بوده که چنانچه متصفانه دارایی‌های بانک‌های ایرانی کنکاش شود، اولاً بخش درخورتوجهی از این دارایی‌ها حبابی (غیرواقعی) است؛ مانند مطالبات از اشخاصی که یا نیستند یا اگر هستند، انکار که نیستند. ثانیاً بخش چشمگیری از دارایی‌های بانک‌ها منجمد یا غیر قابل استفاده است و قابل نقدینگی نیست و ثالثاً سرمایه بانک‌ها در سنوات گذشته از محل سودهای موهوم افزایش یافته که این هم حبابی است؛ بنابراین جدول نسبت کفایت سرمایه در بانک‌های ایرانی غیرواقعی است! نمایه‌ای که در مطلب آورده شده نسبت کفایت سرمایه و سرمایه بانک‌های ایران (مبالغ سرمایه و سرمایه پایه به میلیارد تومان) را نمایش می‌دهد. براساس این و آخرین اطلاعات از کفایت سرمایه بانک‌ها مبتنی بر اطلاعات منتشرشده در سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۹۶ وضعیت نسبت کفایت سرمایه شبکه بانکی کشور در این نمایه نشان داده شده است. نمایه یادشده بدهی بانک‌های ایرانی به بانک مرکزی را در دوره ۱۳۹۰ تا مهر ۱۳۹۷ به میلیارد تومان نمایش می‌دهد.

عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

خبر

بررسی حواشی شکست سومین عرضه نفت در بورس انرژی

● دوشنبه، اول بهمن ۹۷، مقرر شده بود که یک میلیون بشکه نفت خام در بورس انرژی عرضه شود که تا ساعات پایانی روز هیچ معامله‌ای صورت نگرفت. به گزارش پایگاه خبری بازگانشان ایران، سومین عرضه نفت که قرار بود یک میلیون بشکه نفت را در بورس انرژی برای صادرات به فروش برساند، با حواشی زیادی روبه‌رو شد. این در حالی است که دو عرضه قبلی نسبتاً موفق بودند. در نخستین روز عرضه، یعنی ششم آبان، ۲۸۰ هزار بشکه و در روز دوم عرضه، بیستم آبان، بیش از ۷۵۰ هزار بشکه دادوستد شد؛ اما این‌بار انتشار نقل‌قولی از زنگنه حاشیه‌ساز شد. نصرالله پژمان‌فر، نماینده مردم مشهد و کلات در مجلس، سخنانی از بیژن زنگنه در جلسه شنبه هفته قبل، ۲۲ دی، کمیسیون تلفیق مجلس را منتشر کرد که زنگنه ادعا کرد مانع از عرضه نفت در بورس انرژی می‌شود.

او این‌گونه از زنگنه نقل‌قول کرد: «در عرضه‌های قبلی نفت در بورس انرژی، خودمان به خریداران اعلام کردیم که از بورس انرژی نفت خام را خریداری کنند؛ اما از این به بعد می‌گوییم از این بازار خریداری نکنند تا مشخص شود بورس تا چه حد توانایی جذب مشتری برای محموله‌های نفت را دارد». بنا بر گفته پژمان‌فر، زنگنه به قول خود عمل کرده و حتی یک خریدار هم در روز عرضه نفت خام به بورس انرژی مراجعه نکرد و دادوستدی صورت نگرفت. هرچند مسئولان بورس انرژی مسائل حاشیه‌ای را انکار می‌کنند؛ اما نبود مشتری خارجی در این عرضه‌ها خود گواه بر کاستی‌های عرضه است؛ چراکه فروشندگان داخلی ممکن است برای فروش نفت به مشتریان خارجی با توجه به تحریم‌ها با مشکلاتی روبه‌رو شوند.

چهارمین مرحله عرضه نفت در بورس انرژی ۲ هفته دیگر انجام می‌شود

● نماینده شرکت ملی نفت برای عرضه نفت خام در بورس انرژی گفت: این شرکت عرضه نفت خام در بورس انرژی را به صورت مستمر و منظم پیگیری می‌کند و براساس این دو هفته آینده چهارمین مرحله عرضه نفت خام در رینگ صادراتی بورس انجام می‌شود.

لحظه تحویل سال

AZADEH OZI

سرر سید هوشمند

021 - 88 80 39 24-6

کانال تلگرام: @azadehco

اینستگرام: azadehco

وب سایت: www.azadehco.ir